

## نقش مسجد در مقابله با جریان های ضد فرهنگ

عبدالحسین خسروپناه

### چکیده

جریان های مختلف فرهنگی در برابر اسلام ناب محمدی (ص) قرار گرفته اند. این جریان ها که در این نگاشته به عنوان «جریان های ضد فرهنگ» یاد شده است، در صدد تخریب ایمان مؤمنان و اتحاد مسلمانان گام بر می دارند. استعمار و بیگانگان نیز در ترویج این تفرقه گرایی نقشی مؤثر داشته است. «مسجد» به عنوان نهاد درون دینی مهم ترین مانع در برابر هجوم جریان های انحرافی است. این مقال بر این است تا با معرفی برخی جریان های انحرافی به ویژه «فراماسونری» و «تصوف فرقه ای» به نقش مؤثر مسجد در مقابله با این جریان ها پردازد. مسجد، پایگاه مقابله با فراماسونری و کانون تقابل با تصوف فرقه ای به شمار می آید. مسجد در برابر جریان های دیگر انحرافی هم چون جریان های شیطان پرستی، جریان بهائیت، وهابیت، ناسیونالیسم، جریان ابتدال فرهنگی، کثرت گرایی دینی و جریان فمینیسم، به خوبی می تواند مقاومت کند و فعالانه به ترویج اندیشه ناب محمدی (ص) پردازد.

**کلید واژه ها:** مسجد، ضد فرهنگ، فراماسونری، تصوف فرقه ای، بدعت.

## مقدمه

چرایی و ضرورت جریان‌شناسی فرهنگی برای مدیریت فکری و مهندسی فرهنگی کشور بدیهی‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. جریان‌شناسی یک ضرورت اساسی روزگار معاصر ایران و کشورهای اسلامی است. مسئولان فرهنگی و فکری کشور بدون شناخت و آسیب‌شناسی جریان‌های گوناگون نمی‌توانند وضعیت فکری و فرهنگی کشور را مدیریت کنند. حکومت دینی نیز که تولید فرهنگ دینی مردم را به عهده دارد، بر اساس تعریف علم کلام، نقش مؤثری در توسعه باورهای دینی مردم دارد. علم کلام، علاوه بر عهده‌داری تنظیم، تبیین و اثبات گزاره‌های اعتقادی، موظف است به شبهات کلامی فرقه‌های منحرف بپردازد.

متکلمان در گذشته به نقد فرقه‌هایی مانند: مرجئه، خوارج، مشبهه، مجسمه و غیره می‌پرداختند و امروزه نیز مرزداران اندیشه اسلامی باید فرقه‌های فرهنگی و معنویت‌های نوظهوری مانند: صوفیه، اکنکار، آشو، رام‌الله، بهائیت، و وهابیت را به چالش انداخته و با جدیت و به‌کارگیری نظام‌مند به تحلیل و نقد و بررسی آن‌ها بپردازند. یکی از نهادهای درون دینی که توان مقابله با جریان‌های انحرافی و ضدفرهنگ را دارد، مسجد است. نگارنده در این مقابله ضمن معرفی مهم‌ترین جریان‌های ضدفرهنگ و انحرافی به نقش مسجد در مقابله با آن‌ها اشاره خواهد کرد.

## ❖ مبحث اول: مسجد پایگاه مقابله با فراماسونری

### ▪ تعریف فراماسونری

جریان فراماسونری، عامل و ریشه اصلی همه ضدفرهنگ‌ها در جوامع بشری است و به همین سبب، بررسی آن ضرورت دارد. واژه فراماسونری از واژه انگلیسی freestone mason به معنی سنگ‌تراش، ظریف‌کار یا بنای آزاد گرفته شده است. اعضای فراماسونری را فراماسون یا ماسون و ساختمان و مرکز فعالیت ماسون‌ها را لژ می‌نامند.

### ▪ پیشینه ماسون‌ها

پیشینه ماسون‌ها، ارتباطی با ماسون دوره جدید ندارد. توضیح مطلب این‌که بعد از سقوط امپراطوری روم و ویرانی شهرها و تبدیل آن‌ها به دهکده‌های کوچک، مردم به توسعه شهری پرداختند و با تجارت به ثروت زیادی دست یافتند. ماسون‌ها یا معماران به دلیل ساختن کلیساها، هسته اصلی تشکیل‌دهنده شهرها بودند.

این افراد از آموختن حرفه خود به دیگران جلوگیری می‌کردند و پاداش مادی فراوانی می‌بردند. اتحادیه فراماسون‌ها یا بنایان آزاد به عنوان سازمان صنفی در سال ۱۰۹۳ میلادی شکل گرفت. در آن زمان، فراماسون‌ها یک سازمان صنفی به شمار می‌آمدند و هیچ جنبه سیاسی نداشتند و تنها با تشکیل کلاس‌هایی (لژها) سعی در پیشبرد اهداف صنفی خود داشتند و این اهداف تا آخر قرن هفدهم ادامه یافت.

سال ۱۷۱۷ میلادی، آغاز انحراف مسیر فراماسون‌ها توسط انگلیسی‌ها بود. محافل جدید این جریان در قرن هجدهم، کشورهای فرانسه، هند، آلمان، هلند، سوئد، پرتغال، ایتالیا و غیره را در بر گرفت و از مرز ۱۶۰۰ لژ گذشت. همه این لژها موظف بودند اصول و عقاید خود را مخفی نگه دارند. فراماسون‌ها در همین دوره تاریخ باستانی برای خود ساختند و سلسله خود را به حضرت آدم ۷ نسبت دادند.

فراماسونری، اولین جنبش روشنفکری در ایران به شمار می‌آید. اعضای این جنبش به جهت سرّی بودن اطلاعات، سوگند می‌خوردند که در بیرون از لژ، مطالب را فراموش کنند.

این رویکرد، وجه تسمیه «فراموشخانه» برای لژهای فراماسونری در ایران گردید. فعالیت فراماسون‌ها در دوره «قاجار» و «پهلوی اول»، بیشتر محدود به عرصه فرهنگی بود، ولی برخی از آنها توانستند به مقامات حکومتی دست یابند. «میرزا ملکم‌خان»، روشنفکر تحصیل کرده پاریس، اولین لژ فراماسونری ایران را با حمایت میرزا آقاخان صدر اعظم تأسیس کرد. ولی فعالیت‌های مخالف با مصالح جامعه سبب شد تا به دستور ناصرالدین شاه، لژ او تعطیل گردد و به عراق تبعید شود. پیگیری میرزا حسن خان مشیرالدوله، باعث عفو او شد و او سفیر ایران در مصر و انگلستان و در سلطنت مظفرالدین شاه، سفیر ایران در رم شد و خیانت‌های متعددی مرتکب گردید.

لژهای فراماسونری متعددی هم‌چون لژ پهلوی و لژ مولوی در ایران با گسترش روابط سیاسی میان انگلستان و حکومت پهلوی دوم تأسیس شد و رجال و فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس شورا و سنا مانند: حسنعلی منصور، عباس آرام و شریف امامی در آنها عضویت یافتند و فعالیت‌های عمده‌ای هم‌چون مسأله کاپیتولاسیون در جهت حفظ منافع دولت‌های غربی به ویژه انگلستان انجام دادند.<sup>۱</sup>

### ▪ اعتقادات فراماسونری

اعتقادات متفاوت در ماسون‌ها، دلیل بر نفی اعتقادات مشترک نیست. برای نمونه، تقدیس شیطان، الهه‌های ملل باستان، اعتقاد به اومانیسم، ماتریالیسم، عدم اعتقاد به روح و امور فرامادی، اعتقاد به حضرت سلیمان ۷ نه به عنوان نبی، بلکه به عنوان پادشاه، جادوگر و ماسون اعظم، علاقه افراطی به علوم طبیعی<sup>۲</sup>، اعتقاد به قدرت برتر صاحب و گروه ماسونی درجه ۳۳<sup>۳</sup> اعتقاد به ساخت معبد سلیمان به عنوان پایتخت عقیدتی در بیت‌المقدس قبل از ظهور ضد مسیح، اعتقاد به ظهور ضد مسیح یا دجال یا فرعون جدید در ابتدای دهه اول قرن ۲۱م و شروع حکومت جهانی شیطانی توسط او.

۱ - اسماعیل راین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، انتشارات امیرکبیر؛ ابراهیم صادقی نیا، فراماسونری و جمعیت‌های سری در ایران، انتشارات هیرمند، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد فراماسونری در ایران، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۱

۲ - برخی از برندگان جوایز نوبل، مانند: الکساندر فلمینگ کاشف پنی‌سیلین، و ادوارد جنر کاشف واکسن آبله ماسون بوده‌اند.

۳ - شخص یا گروه ماسونی که به درجه ۳۳ برسد، قدرت زیادی داشته و ماسون اعظم نامیده می‌شود.

## ▪ ویژگی‌های ماسون‌ها

یک ماسون بر اساس اصل اول قانون اساسی فراماسون‌ها، تنها مجبور به پیروی از قوانین اخلاقی است و تعهدی جز این ندارد. هر چند برخی از لژهای آمریکایی و انگلیسی، به صورت لفظی و با غرض سیاسی در خاورمیانه، اعتقاد به خدا را مطرح می‌کنند و مقصودشان خدای اختصاصی صهیونیست‌ها یعنی «یهوه صبايوت» است.

## ▪ آزمایش‌های ورود به فراماسونری

آغاز ورود یک فرد به لژ، معرفی سه ماسون بعد از تحقیقات و انجام آزمایش و سپس رأی نهایی مجمع شورای عالی است. آزمایش‌های ویژه مردان عبارت است از: آزمایش هوا، آزمایش آتش، آزمایش خون و آزمایش آب. فرد در آزمایش هوا، باید خود را حلق آویز کند، هر چند طناب از حلقه‌ای عبور کرده که با کوچک‌ترین سنگینی رها می‌شود. داوطلب، در آزمایش آتش، باید تپانچه‌ای را که به او داده می‌شود پر از تیر کند و روی شقیقه خود شلیک کند، البته این تپانچه به گونه‌ای طراحی شده که فقط باروت می‌سوزد و گلوله‌ای از آن خارج نمی‌شود. فرد در آزمایش خون، شمشیری را در شکم مجسمه‌ای که پارچه‌ای مشکی پر از خون در خود دارد، فرو برده تا او را برای قتل در مواقع ضروری آماده سازند. به داوطلب در آزمایش آب، طنابی آویزان می‌کنند و سرش را به داخل استخر آبی برده و به او می‌گویند زیر آب باشد تا وقتی که به وسیله طناب به او فهمانده شود.<sup>۴</sup>

## ▪ اهداف فراماسونری

فعالیت‌های فراماسونری در کشورهای مختلف، متنوع و در بردارنده عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امنیتی است. فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تکنولوژیکی این جریان در قرن اخیر توسط آمریکا و اسرائیل برای حمایت از گروه‌های «شیطان‌پرست» و ترویج فساد و فحشا صورت می‌پذیرد. فعالیت فرهنگی فراماسونری نیز با نفوذ در ادیان اسلام و مسیحیت، جهت تضعیف آن‌ها و رواج فرقه‌گرایی انجام می‌گیرد. رواج بهائیت و قادیانیه و وهابیت در اسلام و نوانجیلی‌ها در مسیحیت در همین راستا قرار دارد. حمایت فراماسونری از یهودیت بدین جهت است که بیشتر یهودیان ساکن اسرائیل، عضو لژهای ماسونی هستند.

همه این فعالیت‌ها با اهداف ذیل دنبال می‌شوند:

- ۱- نابودی تمام مظاهر توحید و یکتاپرستی در جهان؛
- ۲- تخریب مسجداً الاقصی جهت یافتن و بازسازی معبد سلیمان و پرکردن آن از بت‌ها و نمادهای ماسونی؛
- ۳- دستیابی به قدرت در تمام کشورهای جهان و برقراری حکومت جهانی شیطانی با حاکمیت دجال؛

## ▪ مقابله فراماسون‌ها با مسجد

همان‌گونه که معلوم گشت، فراماسونری برای مقابله با ایمان مردم رونق یافت و برای دست‌یابی به قدرت شیطانی خود، دست به تخریب مسجدالاقصی می‌زند و به نابودی مظاهر توحید می‌پردازد. مسجد به عنوان کانون توحید می‌تواند با این اهداف شیطانی مقابله کند. برای این که تعمیر مساجد خدا منحصرأ به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند، پس امید است که از هدایت یافتگان راه خدا باشند. (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)<sup>۵</sup>

خداوند سبحان، جریان فراماسونری را ستمکارترین جریان معرفی می‌کند که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع می‌کند و در خرابی آن می‌کوشد: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)<sup>۶</sup> و کیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید؟ چنین گروه را نشاید که در مساجد مسلمین در آیند جز آن که (بر خود) ترسان باشند. این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بزرگ.

از آن‌جا که مسجد مخصوص عبادت خداوند یکتاست، توسعه آن می‌تواند اهداف فراماسونری را تضعیف کند، برای این که مساجد مخصوص (پرستش ذات یکتای) خداست، پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید: (أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا)<sup>۷</sup>

خداوند سبحان در برابر جریان فراماسونری به عظمت مسجدالاقصی یاد می‌کند و می‌فرماید:

(سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ)<sup>۸</sup>؛ پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجدالاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم چرا که او شنوا و بیناست

۵ - توبه : ۱۸

۶ - بقره : ۱۱۴

۷ - جن : ۱۸

۸ - اسراء : ۱

## ❖ مبحث دوم: مسجد کانون تقابل با تصوف فرقه‌ای

جریان دیگری که در تضعیف فرهنگ اصیل اسلامی فعالیت می‌کند، جریان تصوف فرقه‌ای است که سعی می‌کند با ترویج مکان دیگری برای سلوک معنویت به نام «خانقاه» به تضعیف و کمرنگ کردن مسجد پردازد.

### ▪ چستی تصوف

یکی از جریان‌های ضدفرهنگ رایج در کشورهای اسلامی، جریان تصوف فرقه‌ای است که با گرایش‌های گوناگونی ظاهر گشته است. تصوف - که اسم منسوب آن صوفیه است - مصدر لازم ثلاثی مزید از باب تفعّل به معنای صوفی شدن به کار می‌رود. یکی از کاربردهای باب تفعّل، بیان دارا شدن چیزی یا صفتی است؛ مانند: تأهل، یعنی: دارای اهل شدن و یا تألم، به معنای دارای درد شدن. این باب برای بیان گرایش به فرقه‌ها و آیین‌ها هم به کار می‌رود، مانند: تَمَجُّس یا تَهُّود که به معنای گرویدن به آیین مجوس و دین یهود است. تصوف هم به معنای گرایش به صوفی است؛ پس تصوف، هم به معنای صوفی شدن و هم به معنای گرایش به صوفی به کار می‌رود.

ابونصر سراج درباره چستی تصوف می‌گوید:

«صوفیان مانند فقها و زهاد به دنبال علم خاص یا ویژگی اخلاقی معین نبودند؛ زیرا آن‌ها خود، سرچشمه تمام

دانش‌ها و دارای مجموعه احوال بودند.»<sup>۹</sup>

صوفی از نظر ابونصر سراج، هم بینش دینی و هم منش دینی و هم کنش دینی دارد. در حالی که به عنوان مثال «علم کلام» فقط به دنبال بُعد بینش دینی یا «اخلاق» فقط در پی منش دینی و یا «فقه و حقوق» فقط به دنبال کنش دینی است. اما صوفی از نظر سراج، سرچشمه تمام دانش‌ها و احوال است.

هجویری در کشف‌المحجوب، بین سه واژه «صوفی» و «متصوف» و «مستصوف» فرق می‌گذارد؛ صوفی؛ اهل کمالی است که از صفات نفسانی دور گشته و به حقیقت رسیده است. متصوف؛ طالبان رسیدن به مرتبه صوفیان هستند و جمع آن متصوفه است، مستصوف؛ کسی است که ظاهرش را هم چون صوفیان و طالبان تصوف می‌آراید، اما در واقع از عقاید و اعمال آن‌ها به دور است. وی در این مورد می‌گوید:

«صوفی آن بود که از خود فانی بود و به حق باقی از قبضه طبایع رسته و به حقیقت حقایق پیوسته است و متصوف آنک به مجاهدت، این درجه را می‌طلبد و اندر طلب، خود را بر معاملات ایشان درست همی کند و مستصوف آن است که از برای منال و جاه و حظ دنیا خود را مانند ایشان کرده است و از این هر دو از هیچ معنی خبر ندارد تا حدی که گفته‌اند: «المستصوف عند الصوفیه کالدُّباب و عند غیرهم کالدُّناب.» مستصوف

۹ - ابونصر سراج طوسی، اللمع فی التصوف، ترجمه: مهدی مجتبی؛ ص ۲۰، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.

در نگاه صوفی از جهت حقارت و بی‌ارزشی، چون مگس بود و در نزد دیگران، چون گرگ پر فساد، که همه همتش دریدن و لختی مردار خوردن باشد.<sup>۱۰</sup>

## ▪ انواع تصوف

نگارنده در مرحله چستی تصوف، تحلیلی دارد که نظر خوانندگان را بدان جلب می‌کند: تصوف بر دو گونه متصور است:

**الف) تصوف در مقام تعریف؛** تعریف‌های پیش گفته (اعراض از خلق، به خدا پیوستن، احکام شریعت را عمل کردن و...)، تصوف در مقام تعریف را گزارش می‌دهند.

**ب) تصوف در مقام تحقق؛** یعنی فرقه‌های صوفیه‌ای که تحقق یافته‌اند.

توصیف‌ها و تحلیل‌ها باید به این مقام، یعنی صوفیه تحقق یافته، اختصاص یابد و نباید این دو مقام خلط شوند. لذا گاهی که با مدعیان صوفیه و به اصطلاح اقطاب فرقه‌های تصوف بحث می‌کنیم، آن‌ها به این تعاریف تمسک می‌کنند؛ در حالی که همه این تعاریف، تصوف در مقام تعریف را معرفی می‌کنند، تعاریفی که مقبول اهل معرفت است. این تعاریف، همان عرفانی است که بخشی از اسلام به شمار می‌آید. یکی از راه‌های رسیدن به خدا، اعراض از خلق (به معنای مثبت نه منفی) است. ولی تصوف تحقق یافته‌ی کنونی به جهت انحراف‌های گوناگون، نمی‌تواند خود را بر این تعاریف منطبق سازد.

انحراف تصوف، در قرن اخیر یا در قرن‌های اخیر اتفاق نیافتاده، بلکه این انحراف از صدر اسلام به وجود آمد. ما علاوه بر نقدهایی که بر متصوفه معاصر داریم؛ نسبت به صوفیانی هم چون حسن بصری، «جنید بغدادی» و «معروف کرخی» نیز می‌توانیم تحلیل‌هایی ارائه نماییم. حسن بصری، کسی است که امام علی ۷ تا امام باقر ۷ را درک کرده و نه تنها به آن‌ها ایمان نیاورده، بلکه در برابر آن‌ها ایستاده و بر امیرالمؤمنین ۷ جهت درگیری با اهل جمل، طعنه می‌زند و بنا بر نقلی در نهایت، مقام قضاوت در حکومت حجاج بن یوسف ثقفی را می‌پذیرد. جنید بغدادی، نخستین کسی بود که «رقص» و «سماع» را وارد تصوف کرد و دیگران از او پیروی نمودند و منشأ صدور فتاوای مراجع تقلید و فقهای شیعه در گذشته و حال بر ضد انحراف‌های متنوع فرقه‌های صوفیه گردید. علاوه بر این که، فرقه فرقه کردن دین نیز از نظر فقهی حرام است.

۱۰ - کشف المحجوب، ص ۴۰؛ در ضمن تعاریف فراوان دیگری را قشیری در رساله قشیریه باب التصوف، هجویری در کشف المحجوب، باب التصوف، سهروردی در عوارف المعارف؛ باب خامس و ابن عربی در فتوحات مکیه، ج ۱۳ پیرامون تصوف بیان کرده‌اند که جهت اختصار از بیان آنها صرف نظر می‌کنیم. دکتر صادق گوهرین در شرح اصطلاحات تصوف، نیز به همه این تعاریف پرداخته است.

## ▪ انحرافات و بدعت‌های تصوف

فرقه‌های صوفیه در عقاید و مناسک خود، گرفتار انحراف‌ها و بدعت‌های فراوانی هستند، از جمله می‌توان به نقش عوامل بیرونی در پیدایش تصوف اشاره کرد.<sup>۱۱</sup>

### • ساخت خانقاه در مقابله با مسجد

مهم‌ترین انحراف تصوف فرقه‌ای خانقاه به عنوان محل ذکر و عبادت است. خانقاه بنا به تصریح منابع صوفیه مانند: «نفحات الانس» و «طرائق الحقایق» به پیشنهاد «امیری ترسا» در عصر «ابوهاشم کوفی» ساخته شد و بدعت صوفیان در ساختن خانقاه به این است که آن را به دین و طریقت دینی منتسب می‌سازند. این مکان در برابر مسجد ساخته شده و از عوامل تفرقه میان مسلمانان به شمار می‌آید.

خداوند سبحان در باره عظمت مسجد می‌فرماید:

((گروهی از آنها، مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند! هرگز در آن (مسجد به عبادت) نیست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد! آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند!))<sup>۱۲</sup>

البته صوفیان گاهی در مسجد به اذکار ویژه خود می‌پرداختند و با این کار در صدد تغییر ماهیت فرهنگ مسجد بودند که اهل بیت: با شیوه آن‌ها مخالفت می‌نمودند.

سید مرتضی رازی به نقل از محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب می‌گوید: با امام هادی ۷ در مسجد النبی بودم، عده‌ای از اصحاب به خدمتش رسیدند. مدتی بعد جماعتی از صوفیه وارد مسجد شدند و در گوشه‌ای به حالت دایره‌ای نشستند و شروع به گفتن لا اله الا الله نمودند. امام هادی ۷ فرمود:

۱۱ - رک به: سیدتی واحدی، درکوی صوفیان، ص ۲-۶؛ انتشارات نخل دانش، ۱۳۸۴؛ قاسم غنی: بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ انتشارات زوار، چاپ

هفتم، ۱۳۷۵، جلد دوم؛ و سعید نفیسی، سرچشمه تصوف در ایران؛ ص ۵-۲۴، تهران: انتشارات فروغی، ۱۳۷۷، چاپ نهم

۱۲ - توبه ۱۰۹/ (وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَخْلِفُنَا اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنٰى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَافِرُونَ) \* لَا تَقُمْ فِيهِ اَبَدًا لَمَسْجِدٍ اَسَسَ عَلَى التَّقْوٰى مِنْ اَوَّلِ يَوْمٍ اَحَقُّ اَنْ تَقُمْ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ اَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ \* اَمْ فَمَنْ اَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوٰى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ اَمْ مَنْ اَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)



به این مردم فریب کار توجه نکنید این‌ها هم پیمانان شیاطین و ویران کننده مبانی دین هستند.<sup>۱۳</sup>

#### ▪ نظر مراجع درباره تأکید بر مساجد و نهی از خانقاه

به همین جهت مراجع تقلید با استناد به آیات و روایات، بر رفتن به مساجد تأکید داشتند و خانقاه را توصیه نمی‌کردند و آن را عامل تفرقه می‌دانستند. حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی<sup>۱</sup> در پاسخ به سؤالی می‌فرماید:

واضح است که معبد مسلمانان مسجد است و رفتن به خانقاه اگر برای این باشد که گمان کنید آنجا خصوصیت و شرافتی بر سایر ممکنه دارد، بدعت و حرام است. و به علاوه، این تشکیلات موجب تفرقه مسلمین و اختلاف و ضعف آنها می‌شود و ذکرهایی که در آنجا خوانده می‌شود اگر مدرک و سند معتبری نداشته باشد خواندنش به قصد ورود جایز نیست و اگر اعتبار آن هم با عقاید حقه موافق نباشد خواندنش مطلقاً حرام است. شما در وظایف خود به رساله‌های عملیه و در اذکار و ادعیه به کتب دعا مانند مفاتیح الجنان رجوع کنید.

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی<sup>۱</sup> نیز می‌فرماید:

معبد مسلمانان، مسجد است و رفتن به خانقاه اگر برای این باشد که گمان کند آنجا خصوصیت و شرافتی بر سایر ممکنه دارد صحیح نیست بلکه اگر به این عنوان بروند که آنجا شرعاً پایگاه ذکر و مدح و منقبت است حرام می‌باشد؛ لذا بر عموم مسلمانان است که برای امور عبادی، مذهبی و اعیاد موالید ائمه: در مساجد اجتماع کنند که «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»<sup>۱۴</sup> و شما هم در مقابله با این حرکت طبق شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر عمل کنید.

پس عارفان حقیقی، اهل تهجد و عبادت در مسجد و اهل شهادت و رشادت در میدان مبارزه و اهل تفقه در دین الهی‌اند. و اسلام جامع‌نگر را ملاک زیستن می‌دانند. و این مظهر همان مناجات عارفین است که «وَاجْعَلْنَا مِنْ أٰخَصِّ عٰرِفِيْكَ وَ اَصْلَحِّ عِبَادِكَ وَ اَصْدَقِ طَائِعِيْكَ»<sup>۱۵</sup>

#### ▪ مسجد ضرار، توطئه راهب مسیحی

رهبانیت مسیحی نیز بر صوفی‌گری مسلمانان تأثیر گذار بوده است. حتی مسجد ضرار هم توطئه راهب مسیحی بود. توضیح این‌که، قبل از جنگ تبوک، عده‌ای از منافقین مدینه با مرد راهبی به نام «ابوعامر» که بسیار ریاست‌طلب بود بیعت کردند. ابوعامر، پس از فتح مکه به طائف گریخت و چون اهل طائف به اسلام گرویدند، به سوی شام پیش امپراطور روم شتافت و از آن‌جا به منافقین پیام فرستاد که آماده شوند و مسجدی بنا نهند تا به کمک امپراطور روم،

۱۳ - سفینه البحار، ج ۲، وازه صوف

۱۴ - توبه: ۱۸

۱۵ - بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۰.

بساط رسول خدا(ص) در مدینه برداشته شود. منافقین در گام نخست در جهاد شرکت نکردند و با نیرنگ از پیامبر مکرم(ص) تقاضا نمودند که مسجد مدینه برای بیماران و پیرمردان دور است و لذا اقدام به ساختن مسجد ضرار کردند. پیامبر اسلام(ص) به جهت وضعیت جنگ تبوک با آنها برخورد نکرد و امام علی(ع) را به جای خود در مدینه گماشت. پیامبر اعظم(ص) پس از مراجعت از جنگ طبق آیه ۱۰۷ سوره توبه به تخریب مسجد ضرار فرمان داد:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيُخَلِّفُنَّ إِنَّ أَرْضَنَا لِلَّهِ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \* لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...﴾؛ و (گروهی دیگر از منافقانند) آنان که مسجدی برای زیان به اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و ساختن کمین گاهی برای دشمنان دیرینه خدا و رسول خدا(ص) بود، و با این همه قسم‌های مؤکد یاد می‌کنند که ما جز قصد خیر غرضی نداریم، و خدا گواهی می‌دهد که محققاً دروغ می‌گویند.

یک راهب و صوفی مسیحی به بهانه عبادت منافقین ساختمانی با عنوان مسجد ساخت، تا محل توطئه آنها گردد و خداوند نیز آنها را رسوا کرد. بنابراین، مردم دین‌دار باید هوشیار باشند که تغییر عنوان خانقاه به مسجد یا حسینیه، ماهیت انحرافی آنها را تغییر نمی‌دهد.

#### ▪ مسجد در روایات

مسجد در نصوص دینی به عنوان مجلس مؤمنان و خانه پرهیزگاران، و اهل مسجد به عنوان زائران خداوند معرفی شده است. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ﴾<sup>۱۶</sup> و یا «الْمَسْجِدُ يَبْتُ كُلُّ تَقِيٍّ»<sup>۱۷</sup>

امام حسین(ع) می‌فرماید:

«أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُؤَارُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحْفَةُ لِزَائِرِهِ»<sup>۱۸</sup>؛ اهل مسجد، زائران خداوند و بر

صاحب‌خانه است که به زائرش هدیه دهد.

حال به صوفیان این اشکال وارد است که با وجود این همه روایت در فضایل مسجد، چرا به مرکزی به نام خانقاه رو می‌آورید؟

۱۶ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۹.

۱۷ - شهاب الاخبار، ص ۲۳

۱۸ - إرشادالقلوب، ج ۱، ص ۷۷.

## ▪ شبهه‌های صوفیان

شبهه صوفیان این است که اگر فرقه‌های صوفیه، اهل بدعت‌اند مثلاً خانقاه، از مصادیق بدعت به شمار می‌آید، پس حسینیه‌ها و مدرسه‌های جدید هم بدعت‌اند؟ زیرا همه این پدیده‌ها، نو و جدید هستند. پاسخ این است که:

**اولاً؛** وجود حسینیه‌ها و مدارس جدید، باعث پدید آمدن فرقه‌های دینی جدید و کمرنگ کردن حضور مردم در مسجد و تفرقه میان مسلمین نشده‌اند. ملاک بدعت بودن در یک پدیده به محتوا و کارکرد آن است. اعمال در حسینیه‌ها بدعت و انحراف آلود نیست، در حالی که پیامدهای منفی در اعمال خانقاهی مانند: رقص و سماع و غیره ظاهر می‌گردد.

**ثانیاً؛** هر امر نوی را بدعت مذموم نمی‌نامند. بدعت مذموم، عبارت از انتساب غیر دین به دین است. و خانقاه به عنوان مکان طریقت دینی در برابر شریعت دینی، بدعت‌آفرین است.

**ثالثاً؛** صوفیان، احکامی در خانقاه جاری می‌کنند که جملگی بدعت است. مثلاً پیوند وثیقی میان ولایت و تصوف برقرار می‌سازند و ولایت را در اقطاب خود ساری و جاری می‌دانند و آن را جانشین ولایت ائمه اطهار: قرار می‌دهند. اگر ولایت به زعم صوفیان قیام عبد است به حق در مقام فنا از نفس خود؛ پس لازمه بریدن از نفس و اتصال به حق، تابعیت از اهل بیت: در تمام زمینه‌ها است، و یکی از دستورات ائمه اطهار: اطاعت از فقهای جامع-الشرایط و مجتهدان فقه تشیع است در حالی که، فرقه‌های صوفیه به شدت مخالف مرجعیت شیعه هستند و در دین-شناسی از فقها و نایبان عام امام عصر<sup>۷</sup> بهره نمی‌گیرند و این گرایش نیز بدعت دیگری در تصوف است. هم‌چنین گرایش سکولاریستی و توصیه به جدایی دین از سیاست و مسائل اجتماعی و انتساب دین گزینشگر به اسلام ناب محمدی(ص) از بدعت‌های صوفیه است.

## مبحث سوم - مسجد نهاد مبارزه با جریان‌های ضد فرهنگ

علاوه بر جریان‌های انحرافی ذکر شده، جریان‌های ضدفرهنگ دیگری وجود دارد که می‌توان به جریان شیطان-پرستی، جریان بهائیت، جریان وهابیت، جریان ناسیونالیسم، جریان ابتدال فرهنگی، جریان کثرت‌گرایی دینی و جریان فمینیسم اشاره کرد.<sup>۱۹</sup> مسجد در مقابله با همه این جریان‌ها نقش مؤثری داشته و دارد. به همین جهت پیامبر اسلام(ص) در ساخت مساجد متعدد اهتمام می‌ورزیدند. مسجدالنبی(ص) و مسجد قبا را با دستان مبارک خود ساختند و در ساخت نه مسجد دیگر در قبائل گوناگون هم‌چون «مسجد راتج»، «مسجد بنی عبدالاشهل»، «مسجد بنی عمروبن مبدول»، «مسجد جهینه»، «مسجد بنی سلمه»، «مسجد بنی رزیق»، «مسجد غفار»، «مسجد اسلم» و «مسجد بنی

۱۹ - برای مطالعه بیشتر رک به نگارنده، جریان‌شناسی ضدفرهنگها، مؤسسه حکمت نوین اسلامی، قم، ۱۳۸۹

عمرو بن النجار» توصیه و اهتمام ورزیدند.<sup>۲۰</sup> بسیاری از مساجدی که بعدها ساخته شد، مکان عبادت و نماز رسول گرامی اسلام(ص) بود.

مسلمانان اولیه علاقه و اشتیاق زیادی نسبت به ساخت مسجد از خود نشان می دادند و این اشتیاق ناشی از سیره عملی پیامبر گرامی اسلام(ص) در باره مسجده سازی بود. نخستین کار نبی اکرم(ص)، بعد از هجرت و در ابتدای ورود به یثرب، ساختن مسجد بود و فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»<sup>۲۱</sup>؛ هر کسی مسجدی بنا کند خدا برای او خانه ای در بهشت می سازد. نیز امام باقر ۷ فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قِطَاعِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»<sup>۲۲</sup>؛ هر کسی مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه قطة(پرنده ای به اندازه کبوتر) باشد، خدا برای او خانه ای در بهشت می سازد. توسعه مسجده سازی در دوره امویان و عباسیان نیز بر این اساس بود.<sup>۲۳</sup>

اگر مسجد، تنها محل برگزاری نماز جماعت تلقی نشود، بلکه کانون وعظ و خطابه و مرکز ترویج اسلام و پناهگاه غریبان و مداوای محرومان و قضاوت و در یک جمله کانون عبادی و سیاسی و اجتماعی مسلمین باشد، هیچ فرقه انحرافی و جریان ضدفرهنگ نمی تواند در میان مسلمانان تفرقه ایجاد کند. مسجد در این هنگام، نهادی در برابر انحراف های مختلف می گردد.

## منابع

۱. ابراهیم صادقی نیا، فراماسونری و جمعیت های سری در ایران، انتشارات هیرمند، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی،
۲. ابن عربی، فتوحات مکیه،
۳. ابو نصر سراج طوسی، اللمع فی التصوف، ترجمه: مهدی مجتبی؛ انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲،
۴. اسماعیل راثین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، انتشارات امیرکبیر،
۵. اسناد فراماسونری در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۱
۶. سعید نفیسی، سرچشمه تصوف در ایران؛ تهران: انتشارات فروغی، ۱۳۷۷،
۷. سفینه البحار
۸. سهروردی، عوارف المعارف
۹. سید تقی واحدی، در کوی صوفیان؛ انتشارات نخل دانش، ۱۳۸۴،

۲۰ - عبدالحی الکنانی، التراتیب الاداریه، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۷۷ و ۷۸

۲۱ - الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸، ح ۱، باب بناء المساجد و ما یؤخذ منها

۲۲ - من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۷۰۳، باب فضل المساجد و حرمتها

۲۳ - غلامحسن محرمی، نقش مسجد در جامعه اسلامی، انتشارات بعین، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۴-۲۹

۱۰. شهاب الاخبار،
  ۱۱. صادق گوهرین، شرح اصطلاحات تصوّف،
  ۱۲. عبدالحسین خسروپناه، جریان شناسی ضدفرهنگ ها، مؤسسه حکمت نوین اسلامی، قم، ۱۳۸۹
  ۱۳. عبدالحی الکتانی، التراتیب الاداریه، دارالاحیاء التراث العربی،
  ۱۴. علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب،
  ۱۵. غلامحسن محرمی، نقش مسجد در جامعه اسلامی، انتشارات یمین، قم، ۱۳۷۹
  ۱۶. قاسم غنی، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ انتشارات زوار، چاپ هفتم، ۱۳۷۵،
  ۱۷. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، رساله قشیریّه، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶
  ۱۸. کلمه الامام حسین (علیه السلام)،
  ۱۹. شیخ حسن حر عاملی، وسائل الشیعه،
  ۲۰. <http://www.rahpouyan.com>
- منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد